

ثرفكاوس منطق الطير

عطار

با هدف

ارائه الگوی قاعده‌مندی جریان شکوفایی روان
و ارتقای مرتبه وجودی انسان در داستان
منطق الطیر عطار با بهره‌گیری از
دانش کیمیاگری و روانکاوی

دکتر ویدا احمدی

(دانا کامران)

شابک	: 978-964-2928-78-1
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۷۲۳۹۴
عنوان و نام پدیدآور	: ژرفکاوی منطق الطیر عطار
مشخصات نشر	: تهران: جاجرملی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص.: مصور.
یادداشت	: فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی:
	: http://opac.nli.ir قابل دسترسی است
سرشناسه	: احمدی، ویدا، ۱۳۵۵ -
وضعیت فهرست نویسی	: فیهای مختصر



آدرس: خیابان انقلاب - خیابان ابوحنیفه - خیابان وحید نظری - پلاک ۳۰ - طبقه همکف
تلفن: ۶۶۹۷۳۸۲۱ - ۶۶۹۷۳۸۲۰ - ۶۶۹۷۴۵۰۲
فاکس: ۶۶۴۶۶۷۷۸

ژرفکاوی منطق الطیر عطار

مؤلف: دکتر ویدا احمدی (دانا کاسران)

صفحه آرایشی و طرح جلد: ستاره ایلائی

نویت چاپ: اول - ۱۳۹۴

تیراژ: ۴۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: طرح و نقش

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

شابک: ۱-۷۸-۲۹۲۸-۹۶۴-۹۷۸ *** ISBN:978-964-2928-78-1

فهرست

مقدمه	۷
فصل اول: مفهوم کیمیاگری در منطق الطیر	۱۹
کیمیاگری به مثابه هنر و کیمیاگر به مثابه هنرمند	۲۱
فرایند رستگاری (آزادسازی) از رمگذر کیمیاگری	۲۸
درباره سیمرغ	۳۳
فصل دوم: مفهوم حرکت در حوزه زبان و معنای منطق الطیر	۴۵
حرکت فرارونده، لازمه حیات حقیقی	۴۷
واژه آدم از چشم انداز ریشه شناسی و نماد شناسی	۴۷
درباره نماد پرنده	۵۰
نمادشناسی حرکت استعلایی در منطق الطیر	۵۷
فصل سوم: مرحله بالقوه	۶۳
تعریف مرحله بالقوه	۶۵
کیفیت موانع پرندگان منطق الطیر	۷۹
موانع راه پرندگان از چشم انداز نمادین	۸۵
فصل چهارم: حل مسأله	۹۱
تعریف مرحله رفع موانع و حل مسأله خویشتن	۹۳
هدهد منطق الطیر کیست؟	۹۸

فصل پنجم: مرحله فعلیت یافتگی در منطق الطیر	۱۱۳
تعریف مرحله فعلیت در منطق الطیر و پیوند آن با مقوله رستاخیز	۱۱۵
آیین تشرف یا سرسپاری	۱۱۷
گسترش شخصیت به عنوان شکلی از وادرت جدید در روانکاوی یونگ ...	۱۱۸
رویکرد طرح مصادیق فعلیت یافتگی و تحلیل روان کاوانه	۱۲۲
طرح مقوله کیمیاگری در قرآن بر بنیاد تفکر منطق الطیر	۱۳۰
فهرست راهنما	۱۴۰

www.ketab.ir

مقدمه

با ژرف‌نگری در آثار اهل ادب و هنر، در می‌یابیم که ایشان وارد قلمروی شده‌اند که آنچه را به ظاهر نادیدنی‌ها و ناشنیدنی‌ها بوده است، دیده‌اند و شنیده‌اند و فراتر از خودآگاه خود، ناخودآگاه خویش را هم کشف و شجاعانه به آن وفادار بوده‌اند و به موجب آن حتی دیوانه خطاب شده‌اند و مورد، استهزا قرار گرفته‌اند و بیش از آن تکفیر شده و گاه جان خود را بر سر آنچه که ایمانشان بوده است، گذاشته‌اند. مهمترین دلیل این امر، کج فهمی دیگران از اندیشیده‌های ایشان بوده است؛ زیرا فهم زبان و به تبع آن، معنای این تأملات و آثار تراویده از آنها سختی را می‌طلبد که به معنای داشتن نه صرفاً دانش مناسب برای فهم اثر، بلکه به معنای همانندی و یا حداقل مشابهت تجربه عملی با آزموده‌ها و آموخته‌های آفرینشگران چنین آثاری است. زیرا عارفان عوالمی را تجربه کرده‌اند که آفرینش آثار عرفانی، ثمره همین تجربیات شگرف و البته به سختی بیان شدنی و فهم پذیر است، که من آن را "روایای بیداری" و این آفرینشگران را "روایایان بیدار" نامیده‌ام و منظور از این کاربرد این است که هم چنانکه جانهای پاک و رنج‌دیده و اهل معرفت، که عمر خود را به تفکر و از گونه‌ای دیگر اندیشیدن سپری کرده‌اند، هنگام خواب، روایای صادق می‌بینند، این روایا بینی تجربه‌ای است که در بیداری هم امکان پذیر است و یکی از وجوه آن هنگامی است که اثر ادبی و یا هنری در ژرفای ناخودآگاه ایشان شکوفا می‌شود و تجلی

می‌کند. هم چنانکه فهم رؤیا در بسیاری از موارد نیازمند تحلیل و تأویل است، و در حقیقت زبان عناصر رؤیا از آنجا که خود را معمولاً در پرده نشان می‌دهد، از سنخ واقعیستی است که روشنگری می‌طلبد؛ اثر ادبی و هنری هم اینگونه است و اصولاً این زبان نه خیال‌پردازی افسار گسیخته، بلکه گونه خاصی از اندیشیدن است و اساساً تفکر در چنین ساختی این گونه شکل می‌گیرد.

بنابراین، تحلیل و توضیح چگونگی این امر که اثر ادبی به مثابه رؤیای بیداری است، با یاری جستن از دانش روانکاوی، به خصوص اندیشه‌ها و دیدگاه‌های "کارل گوستاو یونگ" - که برای من بسیار جالب توجه و عمیق است - و بررسی ظرائف و نکات زبانی و معنایی داستان پرندگان عطار یکی از اهداف مهم این پژوهش است.

اما رویکردهای اساسی من از این مطالعه و پژوهش پانزده ساله در حوزه‌های گوناگون کیمیاگری، روانکاوی و دیدگاه‌های ادبی معاصر، برای آشنایی خوانندگان محترم این کتاب از این قرار است:

قاعده‌مند کردن جریان شکوفایی روان و مرتبه وجودی انسان در منطق الطیر عطار

نخستین و مهمترین هدف من از این پژوهش، ارائه "فرمول فکری و زبانی" یا به بیانی دیگر "قاعده‌مند کردن جریان استکمالی روان انسانی در منطق الطیر عطار" بوده است که با بهره‌گیری از روش‌های گوناگونی تحقق پذیرفته است. طرح آرای برخی پژوهشگران معاصر و همچنین برخی متقدمان در حوزه علمی ادبیات و روانکاوی در تحلیل و بررسی زبان و معنای منطق الطیر یکی از مهمترین این شیوه‌ها است.

هرچند به باور من اساساً علم نامیدن ادبیات قدری در محل تأمل است؛ زیرا ادبیات علم در معنای به تعبیر عارفان، علم سواد نیست بلکه از سنخ علمهایی است که به ساحت علم بیاض و فکرت قلبی تعلق دارد، اما کوششهای محققان عصر حاضر بر آن بوده است؛ تا وجه دیگری را نیز برای این به اصطلاح دانش هنرمندانه بیابند زیرا نگاه علمی به آن وجه ادبیات که قابلیت و جای چنین نگاهی را دارد، اگر نگوییم ضروری‌ترین اما یکی از نیازهای اساسی روزگار ما در عرصه پژوهشهای ادبی است به همین خاطر وجه همت بسیاری از پژوهشگران معاصر بر این بوده است تا این مهم را به اثبات برسانند که اکنون زمان آن رسیده است تا قاعده‌مندی مقوله‌های ادبی (البته مقوله‌هایی که جای چنین نگاهی را دارند) مطرح گردد تا بتوان در این عرصه نیز الگویی برای اندیشیدن، آفریدن و نوشتن داشت. در راستای چنین ضرورتی در این کتاب، کوشیده‌ام تا با طرح نظریات معاصران در حوزه ادبیات و نیز روانکاوی و نشان دادن قواعد حاکم بر زبان و عناصر داستانی اثر عطار، سه نکته مهم را نشان دهم:

۱- نخست این کار بنای پلی است میان آنچه که دیروز آفریده شده است و آنچه که امروز مطالعه و اندیشیده می‌شود. یافتن مشترکاتی میان آن دیروز و این امروز بسیار با اهمیت و اساسی است. به عنوان مثال "جیمز فریزر" در کتاب "شاخه زرین" و "میرچا الیاده" در اثری با نام "شمنیسم" تلاش کرده‌اند تا به تبیین آن امور را زناکی پردازند که برای انسان بدوی بسیار حیاتی و جذبی بوده است اما برای انسان مدرن رمزآلود و حتی گاه فاقد معناست. "یونگ" نیز در جرگه همین محققان

است، به خصوص آنجا که به مطالعه دانش کیمیاگری می‌پردازد. نشان دادن معانی امروزی موجود در بطن این پدیده‌های مرتبط با زندگی انسان ابتدایی برای انسان امروز در زمره تلاش‌های ارزشمند فریزر و الیاده و دیگر پژوهشگران همانند آنان است که ما را همچنان با چهره رازناک و البته فهم پذیر جهانمان به پیوند فرا می‌خواند.

۲- دیگر اینکه از طرح دیدگاههای معاصران در حوزه‌های مختلف، در نقد و بررسی داستان پرندگان، هرگز هدف تحمیل و یا حتی همسان‌انگاری این دیدگاهها به یا با آنچه که در زبان و معنای این داستان وجود دارد، نبوده؛ بلکه هدف نشان دادن ویژگی‌های ممتاز و گسترده و ژرفای زبانی و معنایی این اثر است تا نشان دهیم بی‌تردید این شعر ارزشمند هنوز هم برای جهان معاصر در محل تحقیق، آموختن و عمل کردن است و زمان هرگز نتوانسته است عبار کهنگی بر آن بیافشد و این داستان تا همیشه پویا و تازه می‌ماند؛ اما هر زمانی به گونه‌ای.

و اما یکی از مهمترین ابعاد پژوهش حاضر به منظور نشان دادن قاعده‌مندی جریان تکاملی روان آدمی در مطلق‌الطیر، بهره‌گیری ما از "دانش کیمیاگری" است.

دانش کیمیاگری از آن دسته دانش‌هایی است که در درازنای تاریخ بشر درباره آن بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند تا بدانجا که رازناکی این علم حتی بعضی را بر آن داشته است که آن را افسانه شمرده و از واقعیت به دور دانسته‌اند؛ اما آنچه در این میان مهم است، این است که کیمیاگری چه در ساحتی نمادین و یا افسانه پردازانه و چه در معنایی واقعی از هدفی عظیم در زندگی آدمی خبر می‌دهد و آن این است که انسان در پی

کشف تواناییهای بالقوه‌اش به منظور ارتقای مرتبه وجودی خویش از رهگذر فعلیت بخشیدن به همین استعدادها و توانایی‌هاست و این همان فرآیندی است که در روان‌کیمیاگر تحقق می‌یابد؛ آن هنگام که در آزمایشگاه و در "انبیق کیمیاگری (آتانور)" تلاش می‌کند تا مس را به طلا بدل کند.

نکته مهمی که بایسته است در اینجا به آن اشاره کنم این است که من در این کتاب از کیمیاگری در معنایی استعاری و نمادین بهره گرفته‌ام.



Athanor, the alchemists' oven (after an old engraving)

این دانش - که البته از جهتی می‌توان آن را "هنر" هم نامید و در این کتاب در این باره مفصل توضیح داده‌ایم - هم در مشرق زمین و هم در

مغرب زمین مورد توجه بسیار بوده است. بر اساس پژوهش‌های جین باسولد^۱ که در ۲۸ دسامبر سال ۲۰۱۰ میلادی در قالب مقاله‌ای در مجله **Discover** به چاپ رسید، "آیزاک نیوتن" آثاری دربارهٔ کیمیاگری نوشته و بخشی از مطالعات وی در همین زمینه بوده است. طبق نظر نویسندهٔ این مقاله، نیوتن به ویژگی استحاله‌پذیری فلزات معتقد بوده است. "فرانسیس بیکن" نیز متفکر دیگری است که درباره کیمیاگری اندیشیده و نوشته است. در جهان معاصر "کارل گوستاو یونگ" "سال‌های متمادی از عمر خود را صرف بررسی نمادهای کیمیاگرانه به منظور یافتن پیوند میان آنها و روان انسان کرده و مطالعه رؤیاهای خودش و جمع‌گیری از بیمارانش یکی از این رویکردها بوده است که نتیجه آن کتابهای ارزشمندی چون "روانشناسی و کیمیاگری" و "روایها" است که نشان می‌دهد کیمیاگری و روانکاوی و البته ادبیات و هنر تا چه اندازه با یکدیگر مرتبط اند. با مطالعه این آثار نمی‌توان این واقعیت مهم را نادیده گرفت که انسان ناگزیر از شناخت آن سوی پنهان وجود خویش است و اگر چنین نکند، هرگز نخواهد توانست هدف اساسی بودن خویش را محقق سازد. این، آن امر مهمی است که تفکر حاکم بر منطق الطیر عطار نیز بر آن صحنه گذاشته است و من را بر آن دانست تا مقولهٔ قاعده‌مند بودن این جریان به سوی کمال یافتگی را از چنین چشم اندازی مطرح کنم. زیرا، باور دارم که آنچه در کیمیاگری "اوپوس" **opus** یا همان عمل بزرگ نامیده می‌شود که تبدیل فلزات پست به طلاست، در اثر عطار به گونه‌ای نمادین برای روان و مرتبه وجودی

^۱.Jane Bosveld

آدمی رخ می‌دهد؛ این باور من است و برای نشان دادن آن نیز دلالت‌های زبانی و معنایی منطق‌الطیر را مطرح کرده‌ام. این به آن معنا نیست که عطار به عمد از فرمول دانش کیمیاگری بهره برده و یا آثار کیمیاگرانی را که در کتاب حاضر از آنها استفاده شده، همانند "رساله سپیده‌دم (Aurora) توماس آکویناس" دیده و خوانده است؛ بلکه به این معناست که ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زبانی و معنایی منطق‌الطیر تا بدانجاست که می‌توانیم از این چشم‌انداز هم این اثر را بررسی کنیم. هر چند نمی‌توان منکر آگاهی عمیق عطار از دانش کیمیاگری نیز شد. این فرمول کیمیاگانه شامل سه مرحله است که با سه کلمه لاتین نامیده شده‌اند، هر چند در برخی مکاتب کیمیاگری به بیش از سه مرحله اشاره شده است. اما مشهورترین آنها که هم "آکویناس" و هم "یونگ" آن را مطرح کرده‌اند، همین سه مرحله‌اند. که با سه رنگ نشان داده شده‌اند که هر کدام بیانگر تغییر رنگ فلز هنگام تبدیلش به طلاست و البته گویای مراحل رشد وجودی انسان کیمیاگر نیز هست. این سه مرحله عبارتند از:

۱- سیاهی (Nigredo)

۲- سفیدی (Albedo)

۳- سرخی (Rubedo)

که در این کتاب بر هر کدام از این مراحل نامی را متناسب با آنچه که در منطق‌الطیر رخ داده است، گذاشته‌ام که از این قرارند:

۱- مرحله بالقوه

۲- مرحله حل مساله

۳- مرحله فعلیت یافتگی